

www.ketab.ir

نشر نگاه معاصر



آلن و. وود
ترجمه‌ی عقیل فولادی

کانت

آلن و. وود

عقيل فولادی

نگارخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: یاسم رسام

حروف چینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

طراحی: سعادی: فرنو

نوبت چاپ: یکم ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۴۰-۶۳-۲

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک خجالتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	وود، آلن و.، ۱۹۴۲ م.	Wood, Allen W.
عنوان و نام پدیدآور	کانت، آلن و. وود؛ عقيل فولادی.	
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.	
مشخصات ظاهري	۳۰۸ ص: ۱۵ × ۲۱/۵ س.	
فروست	نگرش فلسفی.	
شابک	978-964-9940-63-2	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.		
یادداشت	عنوان اصلی: Kant	
موضوع	کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴-۱۸۰۴ م.	
موضوع	Kant, Immanuel	
موضوع	کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴-۱۸۰۴ م. - فلسفه.	
موضوع	Kant, Immanuel - Philosophy	
شناسه افزوده	فولادی، عقيل، ۱۳۵۷ - مترجم.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ی ۹ و ۲۷۹۸ B	
رده‌بندی دیویی	۱۹۳	
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۰۷۵۸۴	

فهرست

۱۳	یادداشت مترجم
۱۵	مقدمه
۲۳	علائم اختصاری

۲۷	۱. زندگی و آثار
۳۰	محیط و کودکی
۳۳	اوایل دوره دانشگاهی
۳۸	پیدایش فلسفه نقدی
۴۱	سال‌های موفقیت دانشگاهی
۴۳	خانه کانت در خیابان پرینتس
۴۵	روشنگری و فلسفه تاریخ
۵۰	دهه تلاش و زوال
۵۸	پیری و مرگ
۶۰	• مطالعه بیشتر

۶۳	۲. شناخت ترکیبی پیشین
۶۳	۱. امکان مابعدالطبیعه
۶۵	مسئله عمومی عقل محض
۶۸	چگونه شناخت پیشین، مبتنی بر قوای ماست

۷۰	متعلق‌های شناخت پیشین چگونه‌اند؟
۷۱	شهودها و مفاهیم
۷۵	چشم‌اندازوارگی و عینیت
۷۹	۲. حسیات استعلائی: حساسیت محض
۸۰	مکان و زمان
۸۳	حساسیت محض، شهود پیشین
۸۴	مثالیت استعلائی نموده‌ها
۸۵	۲. تحلیل استعلائی: فاهمه محض
۸۵	منطق استعلائی
۸۹	۱. استنتاج استعلائی: صور حکم و مقولات
۹۳	• مطالعه بیشتر
۹۵	۳. اصول تجربه ممکن
۹۵	۱. استنتاج استعلائی مقولات
۹۷	ترکیب و ادراک به خود
۱۰۲	عینیت و حکم
۱۰۷	۲. اعیان، مقولات، شاکله‌ها
۱۱۱	۳. اصول فاهمه محض
۱۱۳	شرایط تعیین زمانی
۱۱۵	«تشابهات» سه‌گانه، و «ابطال ایده‌آلیسم»
۱۱۸	• مطالعه بیشتر
۱۲۱	۴. مرزهای شناخت و ایده‌های عقل
۱۲۱	۱. ایده‌آلیسم استعلائی
۱۲۲	تفسیر علیتی
۱۲۳	تفسیر این‌همانی
۱۲۶	نکات مشترک، نکات متمایز
۱۳۴	مزایای تفسیر این‌همانی
۱۳۵	مسائلی برای تفسیر علیتی

۱۳۸	مسائلی برای ایده‌آلیسم استعلائی برحسب تفسیر این همانی
۱۴۱	۲. ایده‌های عقل
۱۴۱	مابعد الطبیعه متعالی
۱۴۱	وظیفه عقل
۱۴۴	منشأ ایده‌ها در عقل
۱۴۶	کاربرد نظام‌بخشی ایده‌ها
۱۴۹	• مطالعه بیشتر
۱۵۳	۵. دیالکتیک، استعلائی
۱۵۶	۱. آموزه پیش‌نفس
۱۶۰	۲. برابری‌های عقل
۱۶۴	کشش هر دو سوی تعارضات
۱۶۶	حل تعارضات
۱۶۸	تردیدهایی درباره راه حل کانت
۱۷۱	مسأله آزادی [= اختیار]
۱۷۳	عامل بی‌زمان، تاریخمندی، عمل به نحو تجربی آزاد
۱۷۷	۳. خدا در مقام ایده‌آل عقل محض
۱۷۹	سه نوع برهان خدا باورانه
۱۸۰	آیا «وجود» یک «محمول واقعی» است؟
۱۸۶	۴. آموزه استعلائی روش
۱۸۶	انضباط عقل محض
۱۸۸	آیین عقل محض
۱۸۸	معماری و تاریخ عقل محض
۱۸۹	• مطالعه بیشتر
۱۹۱	۶. فلسفه تاریخ
۱۹۶	غایت‌شناسی طبیعی و تاریخ انسان
۱۹۷	تاریخ و زیست‌شناسی
۲۰۰	پایه اقتصادی تاریخ

- ۲۰۲ جامعه‌پذیری غیر اجتماعی
- ۲۰۳ دولت سیاسی
- ۲۰۴ درک نظری تاریخ و تلاش اخلاقی
- ۲۰۸ تاریخ و ایمان اخلاقی
- ۲۱۲ ارزیابی انتقادی فلسفه تاریخ کانت
- ۲۱۴ آیا فلسفه تاریخ کانت، منسوخ است؟
- ۲۱۷ • مطالعه بیشتر
- ۲۱۹ ۷. نظریه اخلاقی
- ۲۲۱ ۱. امر مطلق و قواعد اخلاقی انعطاف‌ناپذیر
- ۲۲۳ ۱. انسان‌شناسی
- ۲۲۷ ۲. اصل بنیادین اخلاق
- ۲۲۹ ضابطه قانون کلی
- ۲۳۴ انسانیت در مقام غایت بی‌نفع
- ۲۳۶ خودآیینی و قلمرو غایات
- ۲۳۸ تأسیس قانون اخلاق
- ۲۴۰ ۳. نظام مابعدالطبیعی تکالیف
- ۲۴۰ حق و اخلاق
- ۲۴۱ تکالیف حقوقی
- ۲۴۳ تکالیف اخلاقی
- ۲۴۵ غایاتی که تکالیف‌اند
- ۲۴۶ کمال خود من و خوشبختی دیگران
- ۲۴۹ اخلاق به منزله فضیلت
- ۲۵۰ • مطالعه بیشتر
- ۲۵۳ ۸. نظریه ذوق
- ۲۵۳ ۱. چرا «نقد» سوم؟
- ۲۵۵ ۲. احکام ذوق
- ۲۶۶ ۳. زیبایی و اخلاق

۲۷۰	۴. امر و الا
۲۷۳	۵. هنر و نبوغ
۲۷۷	ایده‌های زیبایی‌شناختی
۲۸۱	• مطالعه بیشتر

۲۸۳	۹. سیاست و دین
۲۸۳	۱. مفهوم حق
۲۸۶	۲. نظام حق
۲۹۲	۳. حق‌مات‌ها - شرح حارثانه
۲۹۵	۴. ایمان اخلاقی و دین
۲۹۶	برهان اخلاقی و دین
۳۰۰	دین و اجتماع اخلاقی
۳۰۶	• مطالعه بیشتر

مقدمه

مقصود از این کتاب، معرفی اندیشه فلسفی ایمانوئل کانت به ویژه برای خوانندگانی است که تاکنون با آن آشنا نبوده‌اند. از این رو، بحث‌های دانشگاهی و یادداشت‌ها از یک حداقل مطلق فراتر نرفته‌اند. من برخی ارجاع‌ها به آثار کانت را ذکر کرده‌ام، اما نه بیش از آنچه می‌پنداشتم که به نحو بداهت، برای مستند کردن ادعاهایم دربارهٔ آنچه کانت می‌گوید و خواننده را به نگری عمیق‌تر در متن خاص آن قادر می‌سازد، لازم است. آثار راجع به کانت گسترده‌اند، و اکثر آنها نه تنها خصیصه دانشگاهی دارند بلکه به شدت فلسفی‌اند. پیشنهادهای ذکر شده برای مطالعه بیشتر در پایان هر فصل، اجمالاً به منظور پیشنهاد بهترین کتاب‌ها در باب موضوع ای بحث شده در آن فصل بوده است؛ و به هیچ وجه کتاب‌شناسی‌هایی نیستند که ادعا شود کامل‌اند یا حتی اینکه به نحوی خاص نماینده آثار [در آن موضوع‌ها] باشند. کتاب‌های پیشنهادی به گمان من در زمرهٔ بهترین‌هایند، البته این پیشنهادها همچنین مسایل به آثار متأخرند، زیرا کتاب‌شناسی‌های آثار قدیمی‌تر به آسانی در دسترس‌اند.^۱

آنچه به نظر من، راجع به فلسفهٔ کانت بیش از همه درخور توجه است، طیف وسیع موضوع‌هایی است که اندیشه‌های وی راجع به آنها، درخور مطالعه دقیق است. ظاهراً بحث‌های وی در همهٔ این حوزه‌ها – نه تنها در مابعدالطبیعه، بلکه در علم طبیعی، تاریخ، اخلاق، نقد ذوق – ژرف بوده است؛ و دست‌کم، برای ما مسائل

بنیادینی را مطرح کرده است، سوای اینکه در پایان، گفته‌هایش در باب آنها را درست بدانیم یا نه. مثلاً در مقاله مختصر پنج صفحه‌ای در باب پرسش «روشنگری چیست؟» وی ذات^۲ روشننگری را نه در تحصیل یا در پرورش قوای عقلی ما، بلکه در شجاعت و عزم به مستقل اندیشیدن، و رهایی خویش از قید سنت و پیش داوری و از هر شکل مرجعیتی^۳ می‌یابد که با اجازه دادن به اینکه شخص دیگری بجای ما بیندیشد به ما آسودگی^۴ اطمینان می‌دهد. مقاله کانت ما را قادر می‌سازد که ببینیم چگونه موضوع‌های مطرح شده توسط چالش روشننگری، هنوز به همان اندازه با مايند که در قرن هجدهم مطرح بودند.

در کتاب مختصر که می‌کوشد کل اندیشه چنین فیلسوف جامع‌الاطرافی را پوشش دهد، برخی امور مزبور به نحوی اجتناب‌ناپذیر، حذف می‌شوند یا اهمیت آنها نادیده گرفته می‌شود. برخی امور - به ویژه، فلسفه کانت در باب علم طبیعی و دیدگاه اخلاقی وی - برای فدا شدن، نسبت به حجم اختصاص یافته بدان‌ها در این کتاب، بسیار مهم‌ترند. حاضرین از کتاب حاضر (فصل ۲ تا فصل ۵) به نقد عقل محض - مفصل‌ترین کتاب منتشر شده کانت، همچنین مشهورترین و به تحقیق بزرگ‌ترین خدمت ماندگار وی به فلسفه - می‌پردازد. اما باز نسبت بدان‌چه می‌توانست باشد، به تناسب، حجم بیشتری به فلسفه نظری کانت اختصاص داده‌ام چرا که قبلاً درباره فلسفه عملی (یا اخلاقی) کانت مفصلاً در جاهای دیگر نوشته‌ام، به ویژه در کتاب اندیشه اخلاقی کانت.^۴ برخی از ایده‌های اساسی در نظریه کانت در باب علوم فیزیکی، در فصل‌های ۲ و ۳ بحث می‌شوند، اما بررسی شایسته فلسفه کانت، نیازمند برداشت مفصل‌تری است نسبت بدان‌چه می‌توانم در اینجا درباره بنیادهای مابعدالطبیعی علم طبیعی^۵ (۱۷۸۶) ارائه کنم. برخی ایده‌های جدید درباره رابطه فلسفه با فیزیک نیز - که به نحو درخور توجهی با هر آنچه او قبلاً نوشته، متفاوت است - محور علاقه نهایی کانت بودند، یعنی اندیشه‌های موقتی در اثری ناکامل و قطعه‌قطعه، که (از اوایل قرن بیستم) با نام آثار بازمانده^۶ شناخته می‌شوند.

من در این کتاب ندرتاً بدان ماجراجویی جسورانه‌ی نهایی در اندیشه اشاره کرده‌ام، که کانت دقیقاً قبل از اینکه کهولت سن، بی‌رحمانه به قوای ذهنی‌اش آسیب رساند و سپس مرگ برای همیشه خاموش گرداند، بدان اقدام ورزید. برای کسانی که در جستجوی این مرحله نهایی اندیشه فلسفی کانت‌اند، من کتاب‌های اکارت فورستر^۷ و مایکل فریدمن^۸ را پیشنهاد می‌کنم که در ذیل عنوان «مطالعه بیشتر» به ترتیب در پایان فصل‌های ۱ و ۲ فهرست شده‌اند.

فصل نخست این کتاب، زندگینامه است. البته این روش شروع کتاب راجع به یک فیلسوف، به‌یادداشت‌هایش برانگیز است، و دلیلی را می‌طلبد. من با زندگی کانت آغاز کردم زیرا کسی که برای نخستین بار کانت را مطالعه می‌کند، به ویژه کسی که حتی نسبت به مطالعه سرد فلسفه نسبتاً مبتدی است، احتمالاً کنجکاوی اولیه‌ای خواهد داشت راجع به اینکه وی کی بود و چگونه زیست. این کاملاً فهمیدنی و طبیعی است. با این حال، آنان که فدا شده تاریخ آن را خوانده‌اند به زودی می‌آموزند که آشنایی با ویژگی یا شخصیت فیلسوف ندرتاً به ندرت کمکی واقعی در فهم خدمات آنان به فلسفه است. زندگی کانت برای کسانی از ما که فلسفه وی را مطالعه می‌کنند گنجایی اصیلی دارد، زیرا به ما کمک می‌کند که هم - همان عقلی و مادی وی را و هم مقاصد نسبتاً بی‌واسطه شخصی یا اجتماعی را که شاید در اندیشه‌های وی تأثیر گذاشته باشند، درک کنیم. دانستن این امر شاید در فهم چرا به بعضی از اندیشه‌ها و گفته‌هایش کمک کند و در نتیجه، ما را در تفسیر ایده‌هایش یاری رساند. و رای این امر، علاقه ما به زندگی وی می‌تواند تاریخی یا باستانی یا شاید از سر کنجکاوی بیهوده صرف باشد. البته این امر، در هر حال، ربطی به فلسفه وی ندارد.

آنچه به ویژه باید اجتناب شود، رویکرد به زندگی کانت، با روحیه قهرمان‌پرستی یا سرگذشت قدیسین است - که گویی علاقه ما به اندیشه‌های یک فیلسوف، با تحسین ما برای متفکر در مقام یک انسان متناسب است، یا باید متناسب باشد. اگر هرگونه قهرمان یا قدیس راستین در میان چهره‌های برجسته در تاریخ فلسفه بوده

باشد، ما قهرمانی یا تقدس او را هنگام مطالعه اندیشه‌های فلسفی اش کاملاً نادیده خواهیم گرفت. حرمت نهادن به فیلسوفان گذشته همچون پیرانی که باید پا جای پایشان نهیم تا حکمتشان را جذب کنیم، بیمارگونه و کاملاً غیر فلسفی است. چنین نگرشی به هر شخص دیگری، مرده یا زنده، افشاگر بندگی نکوهیدنی عقل است که اساساً با تفلسف ناسازگار است. من در مقام حفظ این عقیده، اتفاقاً یک کانتی نیکی می‌کنم، زیرا کانت عمل کسانی که دیگران را الگوهایی برای تقلید قرار می‌دهند، انبلاّقاً ناسد می‌داند، که پیش از ایجاد فضیلت، متوجه ذلت نفس یا حسادت است. البته این امر، لیلی کافی برای اعمال دیدگاه کانت در این موضوع، بر خود اوست. حتی خوردن این نظر، به هیچ وجه نباید صرفاً بدین دلیل که کانت آن را باور داشت تأیید شود، بلکه صرفاً بدین دلیل باید پذیرفته شود که تجربه، صادق بودن آن را نشان می‌دهد — و حتی در باب کانت صادق است.

این واقعیتی گهگاه ناخوشایند است که فلاسفه گذشته که اندیشه‌هایشان را با بیشترین فایده مطالعه می‌کنیم اساساً بی‌خاصیتی نبودند. تنها راه برآمدن از پس این واقعیت، مواجهه منصفانه با ناهماهنگی شناختی پدیدآمده، است، و سپس تصمیم به کنار نهادن آن؛ چرا که این امر با هر چیزی که در مقام تعیین فیلسوفان برای مطالعه، می‌تواند اهمیت مشروعی داشته باشد بی‌ابطال است. اگر یک فیلسوف گذشته، مثلاً کانت، شخصی ستودنی باشد، این امر عیناً لیلی برای مطالعه اندیشه‌های فلسفی اش برای ما نخواهد بود اگر آن اندیشه‌ها غیر از سیل یا میان‌مایه باشند و درخور تحقیق دقیق ما و تأمل نقادانه نباشند. اگر فیلسوفی کاملاً شخصیت نامطلوبی باشد، یا حتی اگر بعضی از عقایدش در باب اخلاق یا سیاست، مردم روشنفکر امروز را برنجاند، باز شاید صادق باشد که خدماتش به فلسفه برای فهم ما از مسائل فلسفی و تاریخ تأمل‌های انسان‌ها در باب آنها حیاتی اند. اگر آثار فیلسوفی ستودنی را مطالعه می‌کنیم تا شخصیت یا فضیلتش را ارج نهیم، صرفاً زمان و کوششی را هدر می‌دهیم که می‌تواند بهتر به کار گرفته شود. متقابلاً، اگر از مطالعه آثار

فیلسوفی شخصاً نفرت‌انگیز، امتناع کنیم خواه بدین دلیل که گمان می‌کنیم بی‌توجهی ما وی را به درستی به سبب خطاها یا عقاید شریرانه‌اش مجازات می‌کند، خواه بدین دلیل که می‌خواهیم از اثربخشی از چنین شخصیت مضری پرهیز کنیم، آنگاه همه آن چیزی که با این عمل احمقانه مبتنی بر خودبرحق‌بینی و دید بسته به انجام می‌رسانیم، محرومیت خویش است از آنچه می‌توانیم از دستیابی به افکارش و از کشف خباهایش بیاموزیم. همواره مایه تأسف است مشاهده اینکه دانشجویان فلسفه، به‌نگاه حتی فلاسفه باتجربه، به سبب موافقت یا عدم موافقت اخلاقی یا سیاسی‌شان دربارهٔ شخصیت یا عقاید یک فیلسوف — که از مرگش زمان بسیاری گذشته و پاداش دادن به مجازات‌کردنش بسیار فراتر از توان ناچیزشان است — چیزهای بسیاری را که می‌توانند بیاموزند از دست می‌دهند. ما بدین سان تنها خودمان و اطرافیانمان یا نسل‌های آینده را مجازات می‌کنیم، کسانی که می‌توانیم در بهبودشان اثری داشته باشیم اگر زمان و قلم را صرف تعلیم دیده باشیم.

من در مورد کانت، گمان نمی‌کنم که بی‌انسانی به نحو ویژه ستودنی یا به نحو ویژه ناخوشایند باشد. در عوض، شبیه بیست‌ساله‌ای است، به ویژه اشخاص جذاب، شخصیت وی دربردارنده آمیزه‌ای سرشار از خصوصیات جذاب و غیر جذاب بود. وی سخت‌کوش و شکیباً و در مقام یک دانشمند و متفکر و فیلسوف، کاملاً وقف کارش بود، البته همچنین هم باهوش بود و هم بلندمرتبه، مریای شخصی‌ای را که از طریق موفقیت حرفه‌ای کسب کرد و آسایشی را که سرانجام بدان دست یافت هرگز هدر نداد. وی اهل معاشرت و اجتماعی بود، البته بعضی اوقات با دوستانش مخالفت می‌کرد و تعدادی از دوستی‌هایش به نحو ناگهانی به پایان رسید. هرچند کانت بیش از هر چیز استقلال اندیشه را باور داشت، در شیوه زندگی و عاداتش ظاهراً بعضی اوقات به طرز عجیبی تحت تأثیر دوستان خاصی بوده است — در اوایل زندگی، تحت تأثیر یوهان دانیل فونک^۹، بعداً تحت تأثیر جوزف گرین^{۱۰}. وی عشقی شدید به جستجوی حقیقت و اندیشیدن مستقل داشت، البته مراقب شهرتش نیز بود، و در

مقابل دانشجویان یا پیروانی که گمان می‌کرد شخصاً به وی خیانت کرده‌اند، تنگ نظر بود. او همواره از دار و دسته اندیشمندان و خصیصه بدگویی دانشگاهی زمانش (و اندیشمندان و دانشگاهیان هر زمان) دور نبود. کانت هوادار اصلاحات آزاداندیشانه [= لیبرال] در آموزش و خصوصاً در دین بود. وی در سیاست طرفدار جمهوری خواهی بود، و از طرحی طرفداری می‌کرد که دولت‌ها باید از مقداری از استقلال بی‌چون و چرایشان، برای یک فدراسیون جهانی به نفع صلح بین‌المللی و پیشرفت گام به گام نوع انسان، چشم‌پوشی کنند. وی قاطعانه امپریالیسم اروپایی در دیگر نقاط جهان را محکوم می‌کرد. همه کوشش‌های ظاهری اروپایی‌ها برای «آزادسازی» یا «متمدن‌سازی» دیگران را اساساً ناروا و مزورانه می‌خواند. البته وضعیت فروتر زنان در جامعه را کاملاً پذیرفته و از آن دفاع کرد، و راجع به مردم و فرهنگ‌های غیر اروپایی، دیدگاه‌هایی را باور داشت که پاره‌ای جز نژادپرستانه توصیف کردن آنها نداریم. در کل، دیدگاه‌های کانت، از جمله باور به این افکار پیشرو عصرش در موضوع‌های اجتماعی و سیاسی بود. با این حال، به نظر می‌رسد که در باب مسائل اخلاقی و سیاسی، امروزه برای مردم روشنفکر، نفرت‌انگیز یا مضحک‌اند. به جای اینکه این امر را همچون فرصتی برای افکار کینه‌توزانه علیه کانت نامی کنیم، عاقلانه‌تر خواهد بود که آن را همچون معیار موفقیت اذهانی مثل وی ببینیم، فیلسوفانی که امیدوار بودند راه‌های اندیشیدن به آینده را به درجه بهتری ارتقاء دهند، حتی اگر این امر شامل طرد برخی از عقاید به شدت پذیرفته خودشان شود. خطاها یا عیوب کانت هر چه باشد، قطعاً ما در مقام تصور وی به منزله فیلسوفی که برای وی چنان امید داشت، سرچشمه مهم فعالیت فلسفی خود او بودند، بر خطا نخواهیم بود.

مسلماً اینکه عقاید کانت چه بودند، به ارزیابی فلسفه‌اش مربوط می‌شود. اما شکی نیست که از مطالعه فلسفه چیزی نمی‌آموزیم اگر به آثار فلاسفه صرفاً بدین قصد نزدیک شویم که دیدگاه‌های اظهارشده در آنها، سازگار با مقیاس از پیش تعیین شده ما باشند که همه مردم دارای حسن نیت باید بدان معتقد باشند. اگر این

تنها شیوه‌ای است که شما می‌توانید آثار تاریخ فلسفه را بخوانید، در این صورت هر دوی شما و جهان کلاً، حال و روز بهتری خواهید داشت اگر شما بی‌دردسر، ناآگاه از تاریخ فلسفه باقی بمانید و تظاهریه دانستن چیزی درباره آن نکنید.

معیار حقیقی ارزش کانت در مقام موضوع مطالعه فلاسفه، غنای اندیشه‌های ماست آن‌گاه که می‌کوشیم نوشته‌ها و اندیشه‌هایش را بفهمیم و همچنین نقادانه ارزیابی کنیم، و این آن‌گاه که می‌کوشیم آن اندیشه‌ها و تأملات نقدی‌مان درباره آنها را با مسائل فلسفی‌ای مرتبط کنیم که هنوز ما را به خود مشغول می‌کنند. با این معیار، برای کسانی که کانت را می‌شناسند، او از جمله بزرگ‌ترین فیلسوفانی است که تاکنون زیسته‌اند، حال هر نوع انسانی که بوده است، و هر آنچه درباره عقایدش در باب موضوع‌هایی که مایهٔ نگرانی ماست بیندیشیم.

نیز اعتراف می‌کنم که گاه عبارت روشن‌بینی‌های کانت و قدرت براهینش احساس‌های تحسین مرا نسبت به او برمی‌انگیزند. اگر در این کتاب در معرفی کانت موفق شده باشم، شاید شرح من چنین احساس‌هایی را نسبت به وی در خواننده‌ام نیز برانگیزد. از این رو، با چشمداشت چنین مؤمنیتی، توصیه ذیل را که از تجربه خویش به دست آورده‌ام به شما می‌نمایم: آن‌گاه که من مطالعه کانت یا هر فیلسوف دیگری را می‌آغازم و در خود روحیه حرمت‌گذاری می‌یابم، نشانه آن است که باید برای مدتی از مطالعه وی دست بکشم و بجایش، آثار بزرگ دیگری (مثلاً هیوم یا هگل) را انتخاب کنم که در آن حال، در مورد آسان‌ترین شورو هیجان‌های فوق‌العاده ضد فلسفی را - که قوای نقدی مرا تضعیف و قضاوت درستم را لکه دار می‌کنند - ندارم.

آ. و. و.

استنفورد، کالیفرنیا

ژوئیه، ۲۰۰۳